

پرسش ۲۴۲: آیا تو همانی هستی که ادعا می کنی؟

السؤال / ۲۴۲: إلى سيدي وابن مولاي: أقسم عليك بمن تحب أنت هو من تدعي؟ التعب الروحي أتعني.. إخوة يوسف لم يعرفوا يوسف حتى عرفهم نفسه. فكيف لمثلي أن يعرف؟ أقسم عليك بجدك وأبيك أرحني وقل لي أنت حقاً ابن الإمام المهدي ومرسل من قبله. أنا لا استعجبها من الله بل هذا ظني به، ولكن لم حينما أستخيره في جنابكم تطلع مخيرة؟! وسبق واستخرته قديماً على السيد الخامنئي فكانت: (فَكُلِّي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا) [163]، مولاتي الزهراء منذ زمن أطلبها ولم أرى جواباً. فكيف السبيل إلى اليقين بكم؟ يرحمك الله أجبني وأرحني من عذابي. لا بد وإنكم تعرفون قصدي وعندكم دوائي أريد جوابي من عندكم لا من الشيخ العقيلي أو غيره، فالبعد أداني كفاني بعداً عن أئمتي والسلام.

المرسل: زينب - الإمارات

به آقا و فرزند مولایم! تو را به حق هر کس که دوست می داری سوگند می دهم، آیا تو همانی هستی که ادعا می کنی؟ درماندگی روحی آزارم می دهد... برادران یوسف (ع) او را نشناختند تا آنکه او خودش، خودش را معرفی نمود؛ پس چگونه چون منی بتواند بشناسد؟ تو را به جد و پدرت سوگند می دهم که مرا آسوده سازی. به من بگو آیا تو واقعاً فرزند امام مهدی (ع) و فرستاده ی پیش از او هستی؟ من از خداوند درشگفت نیستم بلکه این گمان من است، چرا وقتی بر شما از درگاه خداوند استخاره کردم، مرا مخیر به پذیرش کرد ولی قبلاً که در مورد سید خامنه ای استخاره نمودم این آیه آمد «فَكُلِّي وَ اشْرَبِي وَ قَرِّي عَيْنًا» [164] (بخور و بیاشام و چشمت را روشن کن)؟ خانم زهرا (ع) را مدتی است که طلب می کنم ولی جوابی نمی آید؛ پس چگونه به شما اطمینان یابم؟ خدا تو را مورد رحمت خویش قرار دهد، جواب مرا بده و مرا از عذاب برهان. لاجرم شما نیت مرا می دانید و دوا ی درد من پیش شما است؛ جواب را از خودتان و نه از شیخ عقیلی و

غير از آن می‌خواهم. دوری، مرا آزار می‌دهد؛ مرا از دور بودن از ائمه نجات دهید.
والسلام.

فرستنده: زینب - امارات

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله
على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.
(فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ) ([165]).

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و
سلم تسليماً.

« پس سوگند به پروردگار آسمان‌ها و زمین که او آنچنان که سخن می‌گویید، حق
است » ([166]).

قال تعالى: (وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ
مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ) ([167])، هذا ما كلف به إبراهيم (ع) وهذا ما كلف به كل
الأنبياء (ع) والأوصياء المرسلين وهو الأذان، أي: دعوة الناس إلى
الحق. أمّا هداهم فلم يكلفوه، وأمّا تقديم أدلة وآيات فلم يكلفوه إلا في
أحوال شاء الله سبحانه وتعالى فيها أن يخزي الكافرين وينجي الغافلين
بمنه سبحانه، فكون الناس قد لوثوا فطرتهم وصمّوا آذانهم عن سماع
صوت الحق وغلّفوا قلوبهم برين المادة والهوى فهذه خطيئتهم عليهم أن
يُكفّروا عنها أولاً ليسمعوا قول الحق وصوت الحق، ولذلك قال تعالى: (لَا
إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ
فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) ([168])،

فالكفر بالطاغوت يوفر على أقل تقدير بيئة الحرية الملائمة لسماع صوت الحق وسماع صوت الله.

خدای متعال می‌فرماید: « و مردم را به حج فراخوان تا پیاده یا سوار بر شتران تکیده از راه‌های دور نزد تو بیایند » ([169])؛ این چیزی است که ابراهیم (ع) و همه‌ی انبیا و اوصیای فرستاده شده (ع) بر آن مکلف شدند: فراخواندن؛ یعنی دعوت مردم به سوی حق. هدایت، این وظیفه‌ی همه‌ی آنها بوده است اما ارابه‌ی دلایل و نشانه‌ها، نه، تکلیفی نداشته‌اند. در مواردی خدای سبحان و متعال اراده فرمود تا کافران را رسوا سازد و با منت خویش، غافلان را نجات بخشد. انسان‌ها فطرت خویش را آلوده نمودند و گوش‌های خویش را از شنیدن صدای حق بازداشتند و قلب‌هایشان را با آلودگی‌های مادی و هوا و هوس، غافل ساختند. پس این گناه و خطای انسان‌ها است و بر آنها است که از آن بیرون بیایند تا صدای حق را بشنوند؛ از این رو است که خدای سبحان می‌فرماید: « هیچ اجباری در دین نیست. قطعاً هدایت از گمراهی مشخص شده است؛ پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدای ایمان آورد، به چنان رشته‌ی استواری چنگ زده است که گسستنش نباشد، و خداوند شنوا و دانا است » ([170]). بنابراین کفر به طاغوت در کمترین حدّ خود، آزادگی انسان را از محدودیت‌هایش بیشتر می‌کند تا صدای حق و صدای خداوند را بشنود.

الخراف تعرف راعيها الصالح من صوته، الذين من الله يسمعون صوت الله ويعرفون صوت الله وكلمات الله وحكمة الله ويميزونها جيداً عن سفة الشيطان.

گوسفند، چوپان صالحش را از روی صدایش می‌شناسد. آنان که خدایی‌اند، صدای خدا و کلمات و حکمت او را می‌شنوند و آن را از نادانی و بی‌خردی شیطان تمییز می‌دهند.

هذا هو كل شيء (فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنَ بِاللَّهِ) من يكفر
 بالطاغوت حتماً يعرف صوته وصورته القبيحة التي تتجدد في كل زمان،
 فهو النمرود و علماء الدين غير العاملين في زمن إبراهيم (ع)، و فرعون
 و علماء الدين في زمن موسى (ع)، و بيلاطس و هيرودس و قيصر الروم
 و علماء اليهود غير العاملين في زمن عيسى (ع)، و كسرى و قيصر
 و الحكّام و علماء الأحناف و علماء النصارى و علماء اليهود في زمن
 محمد (ص)، و هؤلاء و حكّام المسلمين و علماء المسلمين في زمن
 الأئمة (ع)، و هؤلاء كلهم و علماء الشيعة غير العاملين في هذا الزمان. هل
 رأيت كم إن دائرة الطاغوت واسعة و كبيرة و كم هي كثرة الطاغوت، و لذا
 قال تعالى: (ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مِمَّا أَنْزَلَ
 اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ
 وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) ([171])، فدائرة الطاغوت تشمل كل أولئك
 الذين لا يؤمنون أنّ الحكم لله أو حتى الذين يقرّون بألسنتهم أنّ الحكم لله
 و يخالفونه بأفعالهم و أعمالهم، كل أولئك و من يتبعهم هم طاغوت و أتباع
 طاغوت و عبيد طاغوت لا يعبدون الله، و إن سجدوا فسجودهم للشيطان،
 و إن حجّوا فحجهم للشيطان، و إن صاموا فصومهم للشيطان؛ لأنهم يقرّون
 ما للشيطان سواء بأقوالهم أم بأفعالهم و ينكرون ما لله سواء بأقوالهم أم
 بأفعالهم، فعبادتهم الظاهرية لا قيمة لها عند الله، بل تراهم ملائكته و اقفين
 يستهزؤون به سبحانه و تعالى - و العياذ بالله - فما أقبح موقفهم هذا الذي
 وصفه سبحانه: (وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا
 الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ) ([172]).

این، همه چیز است « پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد ». کسی که به طاغوت
 کافر شود، حتما صدأ و چهره‌ی قبیحش را که در هر زمان صورتی جدید به خودش
 می‌گیرد، می‌شناسد؛ مانند نمرود و علمای بی‌عمل دین در زمان ابراهیم (ع)، و فرعون
 و علمای دین در زمان موسی (ع)، و بیلاطس و هیرودس و قيصر روم و علمای
 بی‌عمل یهود در زمان عیسی (ع)، و کسری و قيصر و حاکمان و علمای حنفیه و
 علمای نصاری و یهود در زمان محمد (ص). اینها و حاکمان مسلمانان و علمای

مسلمانان در زمان ائمه (ع)، همه و همه و همچنین علمای بی عمل شیعه در زمانه‌ی ما، همه مصداق طاغوت هستند. آیا می‌بینید که دایره‌ی طاغوت چقدر بزرگ و وسیع است؟ و چقدر طاغوت‌ها زیاد هستند؟ به همین دلیل خدای متعال می‌فرماید: «جز خدای یکتا را نمی‌پرستید، مگر اسم‌هایی (بت‌هایی) را که خود و پدران‌تان آنها را به این نام‌ها خوانده‌اید و خدا حجتی بر اثبات آنها نازل نکرده است. حکم، جز حکم خدا نیست. فرمان داده است که جز او را نپرستید. این است دین راست و استوار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند» ([173]). دایره‌ی طاغوت همه‌ی کسانی را که ایمان به حاکمیت خدا ندارند و یا حتی کسانی را که با زبان‌شان بر حاکمیت خدا اقرار دارند ولی با اعمال و کردارشان با آن مخالفت می‌کنند، دربر می‌گیرد. همه‌ی آنها و پیروانشان، طاغوت، پیروان طاغوت و بندگان طاغوت هستند که خدا را بندگی نمی‌کنند و اگر هم سجده کنند، سجده‌شان برای شیطان است و اگر حج به‌جا آورند، حج‌شان برای شیطان است و اگر روزه بگیرند، روزه‌شان برای شیطان است؛ چرا که آنها با سخن یا کردارشان بر آنچه متعلق به شیطان است اقرار می‌کنند و با سخن و کردارشان، آنچه متعلق به خداوند است را انکار می‌نمایند. عبادت ظاهری آنها از نظر خدا بی‌ارزش است، بلکه فرشتگان خدا، آنان را چنان می‌بینند که ایستاده‌اند در حالی که (پناه بر خدا) خدای سبحان و متعال را به سخره گرفته‌اند و چقدر ایستادنشان زشت است؛ این چیزی است که خدای سبحان توصیف می‌فرماید: «و دعایشان نزد خانه‌ی کعبه، جز صفیر کشیدن و دست زدن هیچ نبود پس به پاداش انکارتان عذاب را بچشید» ([174]).

**الذین من الله یسمعون کلمات الله، و شیعة محمد و آل محمد (ع)
الحقیقیون یعرفون صوت الراعی الصالح جیداً.**

آنان که خدایی‌اند، کلمات خدا را می‌شنوند و شیعه‌ی حقیقی محمد و آل محمد (ع)، صدای چوپان صالح را به درستی می‌شناسد.

وهل يضيع الإنسان صوت إمامه ؟ أيمن أن لا يعرف الابن صوت
أبيه الذي رباه؛ لأنه سمع في زحام الدنيا أصوات كثيرة، أيمن هذا ؟!
أحمد الحسن

آيا انسان، صدای امامش را تباه کند؟ آیا ممکن است که فرزند به دلیل شلوغی دنیا و
این که صداهای بسیاری را شنیده است، صدای پدری را که او را پرورانده است،
نشناسد؟ آیا چنین چیزی ممکن است؟

احمد الحسن



[163] - مریم: 26.

[164] - مریم: 26.

[165] - الذاریات: 23.

[166] - ذاریات: 23.

[167] - الحج: 27.

[168] - البقرة: 256.

[169] - حج: 27.

[170] - بقره: 256.

[171] - یوسف: 40.

[172] - الأنفال: 35.

[173] - یوسف: 40.

[174] - انفال: 35.